



سال هفتم - شماره‌ی بیست و دوم - بهار ۱۳۹۶

صص ۱۰۶-۷۳

برساخت معنایی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی کم‌آبی و خشکسالی زاینده‌رود (با تأکید بر پایداری شهری)

سحر فائقی^۱، مهرداد نوابخش^۲

چکیده:

در این مقاله برساخت معنایی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی کم‌آبی و خشکسالی زاینده‌رود با تأکید بر پایداری شهری، از طریق تجربه‌زیسته‌ی شهروندان اصفهانی مورد بررسی قرار گرفت. روش پژوهش مطالعه‌ی حاضر کیفی، از نوع پدیدارشناسی و نحوه‌ی نمونه‌گیری مبتنی بر نمونه‌گیری هدفمند از نوع متجانس بوده است. بر این اساس ۳۲ نفر از شهروندان زن و مرد اصفهانی در محدوده‌ی سنی ۳۰ تا ۶۵ سال انتخاب شدند و در طول مصاحبه‌ی عمیق نیمه ساختاریافته، تجربه‌ی زیسته‌ی خود درباره‌ی کم‌آبی و خشکسالی زاینده‌رود را به طور کامل بیان کردند. در تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیل مضمون و برای تعیین اعتبار یافته‌ها از معیارهای قابلیت اعتبار، قابلیت اطمینان و مطابقت با عینیت داشتن، استفاده شد. یافته‌های این پژوهش در قالب ۴ مقوله‌ی فراگیر دسته‌بندی شد که حاصل استخراج و مفهوم‌بندی داده‌ها در ۹۲ مقوله‌ی پایه، ۲۷ مقوله‌ی سازمان‌دهنده و ۱۴ مقوله‌ی زیر فراگیر است. مقوله‌های فراگیر به عنوان پیامدهای اجتماعی و فرهنگی کم‌آبی و خشکسالی زاینده‌رود با تأکید بر پایداری شهری عبارتند از: سرمایه‌ی اجتماعی (کاهش مشارکت اجتماعی، ...)، سرمایه‌ی سیاسی (کاهش اعتماد سیاسی، ...)، سرمایه‌ی اقتصادی (کاهش قیمت زمین‌های کشاورزی

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.
s.faeghi@gmail.com

۲- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)
mehrddad_navabakhsh@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۲۴

تاریخ وصول: ۹۵/۳/۱۱

بی‌آب و کم‌آب، تغییر در کاشت محصولات، ... و سرمایه‌ی فرهنگی (تغییر در ذائقه‌ی غذایی، ...)، در مجموع یافته‌ها بیانگر آن است که کم‌آبی و خشکسالی زاینده رود، سرمایه‌های (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) شهروندان و بویژه ساکنان منطقه‌ی شرق اصفهان (عمدتاً کشاورزان) را تحت تأثیر قرار داده است. در عین حال، شهروندان خشکسالی و کم‌آبی را دلیل اساسی تخریب تمدن و فرهنگ شهر تاریخی اصفهان قلمداد نموده و سلامت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شهر را در خطر می‌بینند.

واژگان کلیدی: پیامدهای اجتماعی و فرهنگی، کم‌آبی و خشکسالی زاینده‌رود، پایداری شهری، سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی سیاسی، سرمایه‌ی فرهنگی.

مقدمه و بیان مسأله:

مجموعه زیست‌محیطی طبیعی از قبیل رودخانه‌ها و به طور کلی آب از دیرباز نقش مهمی در شکل‌گیری و بقای تمدن بشر ایفا کرده و حلقه‌ی پیوند انسان‌ها با محیط بوده است (ایرانی بهبهانی و همکاران، ۱۳۸۹)، اما امروزه حاشیه‌ی رودخانه‌های شهری تا حدود زیادی تحت تأثیر اعمال و کنش‌های انسانی قرار گرفته‌اند و نه تنها شکل و کالبد فیزیکی آن‌ها دچار تغییرات بسیاری شده، بلکه در عملکرد و کارکرد این فضاها نیز تغییرات عمده‌ای صورت پذیرفته است (قاسم‌زاده، ۱۳۹۱). آنچه در سال‌های اخیر به عنوان یکی از جدی‌ترین معضلات بر سر راه رونق و توسعه‌ی شهری و روستایی قرار گرفته است، بروز و استمرار خشکسالی‌هایی است که همراه با سوء مدیریت منابع کمیاب، معضل کم‌آبی و خشکسالی را به بحرانی اساسی در مناطق خشک و نیمه خشک تبدیل کرده و پایداری حیات اقتصادی و اجتماعی بسیاری از شهرها و روستاها را با مخاطره‌ی جدی مواجه کرده است (امینی فسخودی و میرزایی، ۱۳۹۳). رودخانه‌ی زاینده رود در مرکز اصفهان با پارک حاشیه‌ای اطراف آن به طول تقریبی ۱۵ کیلومتر و عرض ۱۰۰ تا ۳۰۰ متر یکی از مجموعه‌های زیست‌محیطی مشهور بوده (مروج اربتی و پورنادری، ۱۳۹۲) که طی چند سال اخیر به دلایل مختلف از جمله برداشت‌های بی‌رویه و غیراصولی و تصمیمات غیرکارشناسانه و غیرقانونی، با کم‌آبی و بحران مواجه شده و قطع مداوم جریان آب رودخانه‌ی زاینده‌رود بر شهر اصفهان، آثار و مسائل مختلفی را در ابعاد

اقتصادی- مالی و ابنیه تاریخی، چهار فصل بودن، لطافت محیط و پیشروی کویر و متعاقب آن ایجاد شرایط میانجی^۱ و بروز پیامدهای اجتماعی و فرهنگی^۲ مرتبط را در شهر برجای گذاشته است. تاکنون تحقیقات زیادی در زمینه‌ی علل و پیامدهای کاهش و خشکی آب زاینده رود انجام گرفته است، اما اکثریت قریب به اتفاق این تحقیقات بیشتر از جنبه‌ی زیست محیطی (رامشت و همکاران، ۱۳۸۷) و اقتصادی به این پدیده توجه کرده‌اند و آثار اجتماعی و فرهنگی آن تقریباً مغفول واقع شده است. این در حالی است که حاشیه‌ی رودخانه‌ی زاینده رود به منزله‌ی عرصه‌ی عمومی، همواره نقش مهمی در ارتقاء سرمایه‌های اقتصادی^۳، اجتماعی^۴، فرهنگی^۵ و سیاسی^۶ شهروندان اصفهانی داشته و پیوند و تعاملات اجتماعی و فرهنگی شهروندان را گسترش داده است (هنر فر، ۱۳۷۶) توجه به جنبه‌های مختلف پیامدهای خشکسالی زاینده‌رود و شرایط میانجی مرتبط به ما کمک کند تا برون‌داد تصمیم‌هایمان را پیش‌بینی کنیم. اجرای تصمیمات بدون شناسایی پیامدهای منتج از آن می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری داشته باشند و اجرای موفقیت‌آمیز تصمیمات به علت طیفی از مسائل نظیر مقاومت مردمی، عدم مشارکت مردم در پیش‌برد اقدامات یا عواقب ناشی از تأثیرات منفی میسر نمی‌شود، زیرا اقدامات توسعه‌ای در عین حال که می‌توانند نتایجی خوشایند داشته باشند، قادرند انبوهی از مسایل نظیر تخریب زیست‌محیطی، ایجاد تضاد میان دولت و مردم، آسیب‌های اجتماعی، نقض حقوق قانونی مردم و ایجاد تبعیض‌های اجتماعی را به همراه داشته باشند و بروز مسائل مرتبط با هر یک از این موضوعات دقیقاً ضد توسعه‌ای است (فاضلی، ۱۳۸۹)؛ بنابراین ضرورت مطالعه‌ی پیامدهای اجتماعی - فرهنگی کم آبی و خشکسالی زاینده

۱- منظور از شرایط میانجی، زمینه ساختاری گسترده‌ای هستند که پدیده (مقوله) در آن رخ می‌دهد و بر چگونگی واکنش نشان دادن به آن یا پیامدهای آن مؤثر است (استراس و کوربین، ۱۳۸۵).

۲- پیامدهای اجتماعی و فرهنگی به تغییراتی اشاره دارند که اقدام پیشنهادی در سطح اجتماعی یا فردی به بار می‌آوردند و شیوه زندگی، کار، تفریح و روابط افراد با یکدیگر، نحوه برآوردن نیازهایشان و به طور کلی شیوه انطباقشان به عنوان اعضای جامعه را تغییر می‌دهد (برج، ۱۳۸۹: ۲۶).

- 3- Economical capital
- 4- Social capital
- 5- Cultural capital
- 6- Political capital

رود و شرایط میانجی مرتبط، در بستر شهر اصفهان به عنوان شهری تاریخی-فرهنگی را دو چندان می‌کند.

بر این اساس هدف غایی پژوهش حاضر برساخت معنایی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی کم‌آبی و خشکسالی زاینده‌رود (با تأکید بر پایداری شهری) در شهر اصفهان است؛ به عبارت دقیق‌تر هدف اصلی پژوهش حاضر به قرار زیر است:

- برساخت معنایی پیامدهای اجتماعی کم‌آبی و خشکسالی زاینده‌رود بر پایداری شهری با تأکید بر سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شهروندان اصفهانی.

پیشینه‌ی تحقیق:

ادبیات نظری و پژوهشی وسیعی در زمینه‌ی مسائل خشکسالی از جمله علل و اثرات زیست محیطی و اقتصادی خشکسالی و کم‌آبی در کشور وجود دارد، اما در معدودی از تحقیقات پیامدهای خشکسالی بر وضعیت اقتصادی - اجتماعی مردم بویژه قشر کشاورزان مورد مطالعه قرار گرفته است که عمدتاً با رویکرد اثباتی و کمی‌گرا صورت گرفته و از نقطه نظر بیرونی^۱ انجام شده‌اند، برای مثال علی‌پور و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی اثرات خشکسالی بر وضعیت اقتصادی - اجتماعی گندمکاران شهرستان نهبندان پرداختند و در نهایت در زمینه‌ی اقتصادی، پنج عامل شامل افزایش هزینه‌های تولید، کاهش تولید گندم، کاهش توان اقتصادی کشاورز، کاهش توان تولیدی آبی کشاورز و خروج از بخش کشاورزی و در زمینه‌ی اجتماعی، پنج عامل افزایش آسیب‌های اجتماعی، کاهش سطح بهداشت و تغذیه، اثرات روحی و روانی خشکسالی، بروز اختلافات اجتماعی و ایجاد فقر در جامعه را دسته‌بندی کردند. یافته‌های پژوهش ریاحی و پاشازاده (۱۳۹۲) نشان داد که خسارات ناشی از خشکسالی در کاهش درآمد و پس‌انداز، تغییر در ساختار شغلی روستا، افزایش تمایل به مهاجرت از روستا، کاهش مشارکت و روابط اجتماعی و کاهش دام‌ها و تولیدات کشاورزی، تأثیر داشته است. از مرتبط‌ترین تحقیقات نسبت به این مطالعه، پژوهش قاسم‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) با عنوان تأثیر خشکسالی زاینده‌رود در تعاملات اجتماعی و فضاهای جمعی اصفهان است. نتایج نشان داد که ارزیابی

پاسخگویان از کیفیت (کیفیت دسترسی، خدمات، عناصر زیبایی‌شناختی و آسایش و امنیت) فضاهای اطراف رودخانه‌ی زاینده‌رود در میزان تعاملات آن‌ها با یکدیگر تأثیر مثبت و معناداری داشته است. همچنین، خشکی آب رودخانه‌ی زاینده‌رود به طور معناداری، میزان تعاملات اجتماعی را در بین شهروندان مراجعه‌کننده به این مکان کمتر کرده است. از سوی دیگر در تحقیقات خارج از کشور نیز مطالعه‌ای مرتبط با موضوع مورد مطالعه‌ی حاضر یافت نشد اما مطالعاتی انجام شده که به نحوی به مطالعه‌ی حاضر نزدیک است و نتایج آن می‌تواند در فهم و مقایسه نتایج مطالعه‌ی حاضر راهگشا باشد. برای مثال مکلمن و همکاران^۱ (۲۰۱۵) در کتاب‌شان بیان کردند که سیاست‌های عمومی واقع‌گرایانه‌ای که عواقب اجتماعی خشکسالی را مورد بررسی قرار دهند، وجود ندارد؛ در نتیجه انطباق با خشکسالی معمولاً به صورت اقدامی خودجوش و کوتاه‌مدت صورت می‌پذیرد که گاهی نابرابری‌های اجتماعی جدیدی را علاوه بر نابرابری‌های موجود به بار می‌آورد که قابلیت انطباق‌پذیری و وضعیت معیشت کشاورزانی را که در معرض بیابان‌زایی و خشکسالی هستند تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این کتاب به مهاجرت به عنوان یکی از مکانیسم‌های انطباق‌پذیری توجهی ویژه شده است. آگورمان و هنری^۲ (۲۰۱۴) نیز در فصلی از کتابشان خاطر نشان کردند که اقلیم و آب و هوا ناگزیر بخشی از زندگی و فرهنگ یک اجتماع را شکل می‌دهند و حوادث آب و هوایی غیر عادی بر امنیت و رفاه تأثیر می‌گذارد.

در مجموع یافته‌های مطالعات داخلی و خارجی نشان‌دهنده‌ی پیامدهای مختلف اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی خشکسالی بویژه بر مناطق روستایی است، ضمن اینکه گسترده‌ترین اثرات خشکسالی، اثرات تحمیل شده بر بخش کشاورزی است و اقتصاد خانوارهای مناطق روستایی وابستگی قابل توجهی به بخش کشاورزی دارد؛ با کاهش ظرفیت‌های اقتصادی این بخش، اقتصاد خانوار به خطر افتاده و پیامدهای بعدی را نیز در پی خواهد داشت؛ این پیامدها شامل کاهش سطح امنیت و رفاه، تغییر در ساختار شغلی روستاییان، افزایش آسیب‌های اجتماعی، کاهش سطح بهداشت و تغذیه، بروز اختلافات اجتماعی و ایجاد فقر، افزایش تمایل

1- McLeman, Schade and Faist

2- O'Gorman and Henry

به مهاجرت از روستاها، هستند.

مطالعات فوق‌الذکر می‌توانند در یافتن راهکارهایی برای کاهش تبعات سوء خشکسالی بر فضای شهر و پایداری شهری و بخصوص زندگی شهروندان، سودمند باشند؛ اما همانطور که عنوان شد، اکثر مطالعات انجام شده درباره‌ی پیامدهای خشکسالی عمدتاً با رهیافت کمی‌گرایانه صورت گرفته‌اند؛ رهیافت کمی‌گرا با به‌کارگیری رویکردهای نظری از پیش تعیین شده، استدلال‌های قیاسی - فرضیه‌ای، نگرش نخبه‌گرا، محیط‌محوری و اتخاذ موضع ایتیک^۱، سعی در تبیین علل، شرایط میانجی و پیامدهای پدیده‌های اجتماعی به زبانی متغیرمحور و عمدتاً مکانیکی دارد (محمدپور، ۱۳۹۳). این رویکرد با نگاهی عین‌گرا و بیرونی به پدیده‌ی خشکسالی و ابعاد آن نگرسته و با اتخاذ شیوه‌ی محقق‌محور به نگرش‌ها، نقطه‌نظرها و دیدگاه امیک سوژه‌های درگیر در خشکسالی چندان اجازه‌ی صحبت نمی‌دهد؛ از این‌رو، داده‌ها و گزارشات موجود نیز عمدتاً در طیفی از استدلال‌های آماری و عددی پیچیده شده و گاه دانشی متعارف و بدیهی به دست می‌دهند. این مطالعه ضمن ارج نهادن به مطالعات کمی درباره‌ی اثرات خشکسالی، بر این باور است که مسأله یا به عبارت دیگر تجربه‌ی کم‌آبی و خشکسالی و ابعاد آن باید از نقطه نظر بومی شهروندان درگیر در آن و از رویکرد درونی^۲ نیز بررسی شود. چراکه چنین مطالعاتی می‌تواند درک واقع‌بینانه‌تر و همدلانه‌تری از پیامدهای کم‌آبی و خشکسالی به دست داده و زوایای زیرین معنایی و ذهنی برخورد با این پدیده را بهتر روشن سازد، از این‌رو، هزینه‌های متفاوت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ناشی از عدم شناخت کافی و درون-نگرانه‌ی پدیده‌ی کم‌آبی و خشکسالی و پیامدهای جانبی آن نیز در سطح نهادهای ذی‌ربط کاهش می‌یابد.

چارچوب مفهومی:

از آنجا که هدف این مطالعه درک کیفی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی کم‌آبی و خشکسالی زاینده‌رود بر اساس تجربه‌ی زیسته‌ی^۳ شهروندان اصفهانی است، بنابراین ورود به درون

1- Etic

2- Emic

3- Lived Experience

جهان تجربه‌های شهروندان مستلزم اتخاذ رویکرد و روشی است که قادر به انجام چنین کاری باشد. از این رو، از رویکرد پدیدارشناسی^۱ به عنوان توأمان نظریه و روش استفاده می‌شود؛ پدیدارشناسی را می‌توان هم یک جنبش فلسفی و هم یک روش تحقیق دانست که هدف اولیه‌ی آن مطالعه و توصیف مستقیم پدیدار، ذات^۲ یا جوهره‌ی پدیده‌هاست، البته آن‌طور که آگاهانه و بدون آلودگی به پیش‌مفاهیم تجربه می‌شوند (لاور، ۲۰۰۲؛ به نقل از محمدپور، ۱۳۹۳). پدیدارشناسی به عنوان روش تحقیق، به مطالعه‌ی نمودها، تشریح ساختارهای تجربه‌ی زیسته و آگاهانه بدون ارجاع، به نظریات، تفکر قیاسی - فرضی^۳ و فرض‌های نظری پیشین^۴ اختصاص دارد (محمدپور، ۱۳۹۰). از منظر پدیدارشناسی و پیروی از منطق استقرایی-استفهامی، تنها دانش حقیقی^۵ در باب تجربه‌ی انسانی صرفاً از طریق کسانی حاصل می‌شود که در جهان آن تجربه زندگی می‌کنند و جهان خود را توصیف و بازنمایی می‌کنند (زهاوی، ۲۰۰۳ به نقل از محمدپور، ۱۳۹۳).

متناسب با چارچوب مفهومی توسعه‌ی پایدار شهری، شاکله‌ی چارچوب مفهومی پژوهش حاضر را مفاهیم مرتبط با توسعه‌ی پایداری شهری با تأکید بر توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی (سرمایه‌های اقتصادی با تأکید بر اندیشه‌های هیلر و روکسبی^۶ و وینتر^۷؛ سرمایه‌های اجتماعی با تأکید بر اندیشه‌های پاتنام^۸؛ سرمایه‌های فرهنگی با تأکید بر اندیشه‌های بوردیو، برکس و وولک^۹ و سرمایه‌های سیاسی با تأکید بر اندیشه‌های پاتنام، بوث و ریچارد^{۱۰}، سورنسن و تورفینگ^{۱۱}) تشکیل می‌دهد که در ادامه هر کدام از این مفاهیم توضیح داده شده است:

-
- 1- Phenomenology
 - 2- Essence
 - 3- Hypo-Deductive Speculation
 - 4- Prior Theoretical Presumption
 - 5- True Knowledge
 - 6- Hiller and Rooksby
 - 7- Winter
 - 8- Putnam
 - 9- Brex and Volk
 - 10- Booth and Richrad
 - 11- Sorensen and torfing

- سرمایه‌های اقتصادی: سرمایه‌ی اقتصادی یا ثروت مادی، قدرت پرداخت برای شکلی از سرمایه است که می‌تواند به کالاهای مادی تبدیل شود (هیلر و روکسبی، ۲۰۰۲ به نقل از سفیری و آراسته، ۱۳۸۶: ۱۲۶)، مهم‌ترین ویژگی این سرمایه آن است که مستقیماً قابلیت تبدیل شدن به پول را داراست و می‌تواند به شکل حقوق مالکیت و درآمد افراد نهادینه شود (ویتتر، ۲۰۰۰: ۲).

- سرمایه‌ی اجتماعی: پاتنام سرمایه‌ی اجتماعی را شامل جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی از قبیل هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و اعتماد متقابل قلمداد می‌کند که همیاری و هماهنگی افراد را برای دستیابی به منافع مشترک، تسهیل می‌کند (پاتنام، ۱۹۹۵).

- سرمایه‌ی فرهنگی: بوردیو سرمایه‌ی فرهنگی را خصلت‌ها و عادات دیرپایی می‌داند که طی فرآیند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و اهداف فرهنگی ارزشمندی مانند صلاحیت تحصیلی و فرهیختگی را در بر می‌گیرد (به نقل از آن‌هایر و همکاران، ۱۹۹۵). برکس و وولک واژه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی را برای اشاره به قابلیت‌های انعطاف‌پذیر جوامع انسانی برای پرداختن به محیط زیست به کار می‌برند (تراسپی، ۱۳۸۷).

- سرمایه‌ی سیاسی: بوث و ریچارد سرمایه‌ی سیاسی را نگرش‌ها و رفتارهای شهروندان می‌دانند که سیستم سیاسی، دولت، متصدیان در دولت، گروه‌های اجتماعی و همچنین خود شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بوث و ریچارد، ۲۰۰۸). سرمایه‌ی سیاسی به سه عامل اشاره دارد که با توانایی سیاسی کنشگران برای مشارکت در تصمیم‌گیری در ارتباط است؛ سطح دسترسی به فرآیندهای تصمیم‌گیری (مواهب و منابع^۳)، توانایی آن‌ها برای ایجاد تفاوت در این فرآیندها (توانمندی^۴) و ادراک از خود به عنوان کنشگران سیاسی (هویت سیاسی^۵) (سورنسن و تورفینگ، ۲۰۰۳).

1- Winter

2- Anheier, Gerhards and Romo

3- endearment

4- Empowerment

5- Political identity

روش پژوهش:

جامعه‌ی آماری در این مطالعه عبارت از شهروندان ساکن در شهر اصفهان بود که سابقه‌ی سکونت حداقل ده ساله در شهر اصفهان را داشته و در محدوده‌ی سنی ۳۰ تا ۶۵ سال قرار داشتند (علت انتخاب این رده‌ی سنی از یک سو به دلیل طبقه‌بندی این گروه به عنوان جمعیت فعال است؛ چرا که این گروه از نیروی آماده‌ای برای تولید کالاها و خدمات برخوردارند و از لحاظ اقتصادی دارای فعالیت سودمند بوده و می‌توانند در تولید ثروت و خدمات اقتصادی مؤثر باشند، از سوی دیگر این رده‌ی سنی مرکب از افرادی هستند که تجارب آن‌ها به فهم درستی از پدیده‌ی خشکسالی و کم‌آبی و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی منتج از آن منجر شده است). با توجه به ماهیت تحقیق، روش نمونه‌گیری مبتنی بر نمونه‌گیری هدفمند از نوع متجانس و ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه‌ی عمیق نیمه‌ساختاریافته بوده است، با استفاده از معیار اشباع نظری با سی و دو شهروند اصفهانی مصاحبه صورت گرفت و معیار رسیدن به اشباع داده‌ها، عدم دستیابی به اطلاعات بیشتر و غیر تکراری در مصاحبه‌های بعدی بود. چک لیستی (سیاهه‌ی وارسی) از موارد مصاحبه در اختیار محققان قرار گرفت تا فرآیند مصاحبه به طور پیوسته کنترل و مصاحبه‌های ضبط شده، پیاده‌سازی، دسته‌بندی و سازماندهی شدند؛ سپس، با استفاده از تحلیل مضمون - که در پدیدارشناسی مرسوم است - داده‌ها بر اساس اهداف تحقیق، مقوله‌بندی و مورد تفسیر قرار گرفتند. شیوه‌ی تحلیل از نوع مضمون یا تماتیک بود. تحلیل مضمون را می‌توان یکی از روش‌های بنیادین، ساده و کارآمد تحلیل داده‌های کیفی در نظر گرفت (هولوی و تودرس، ۲۰۰۳ به نقل از محمدپور، ۱۳۹۳)، طبقه‌بندی مضامین بر اساس جایگاه مضمون در شبکه‌ی مضامین است که مضامین را در سه دسته قرار می‌دهد: مضامین فراگیر که در کانون شبکه‌ی مضامین قرار می‌گیرد، مضامین سازمان‌دهنده که واسط مضامین فراگیر و پایه‌ی شبکه است و مضامین پایه که مبین نکته‌ی مهمی در متن است و با ترکیب آن‌ها، مضمون سازمان‌دهنده ایجاد می‌شود (آتراید- استرلینگ، ۲۰۰۱).

استحکام و دقت مطالعه با استفاده از معیارهای قابلیت اعتبار، قابلیت اطمینان و مطابقت با

عینیت داشتن صورت گرفت. در بخش یافته‌ها، جداول مقوله‌های فراگیر به همراه مقوله‌های زیر فراگیر، پایه و سازمان‌دهنده ارائه شده است.

یافته‌ها:

یافته‌های مطالعه‌ی حاضر از دو بخش تشکیل شده است، در بخش اول ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان و در بخش دوم پیامدهای اجتماعی و فرهنگی با تأکید بر پایداری شهری، ارائه و مرور شده است.

۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

جدول شماره‌ی ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

متغیرها/ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	ابعاد/ مشخصه	فراوانی	درصد
مشارکت‌کنندگان	مقوله	۳۲	۱۰۰
جنسیت	زن	۱۳	۴۰/۶۳
	مرد	۱۹	۵۹/۳۷
توزیع سنی	بین ۳۰ تا ۴۵ سال	۱۱	۳۴/۳۷
	بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۸	۲۵
	بین ۵۰ تا ۶۰ سال	۶	۱۸/۷۷
	۶۵ سال به بالا	۷	۲۱/۸۶
تحصیلات	زیر دیپلم	۵	۱۵/۶۳
	دیپلم و فوق دیپلم	۷	۲۱/۸۷
	کارشناسی و کارشناسی ارشد	۱۲	۳۷/۵
	دکتری و بالاتر	۸	۲۵
سابقه‌ی سکونت در شهر اصفهان	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	۹	۲۸/۱۳
	۱۵ تا ۲۰ سال	۴	۱۲/۵
	۲۰ تا ۲۵ سال	۳	۹/۳۷
	۲۵ تا ۳۰ سال	۵	۱۵/۶۳
	۳۰ سال به بالا	۱۱	۳۴/۳۷

۲-۱- روایت شهروندان از بازاندیشی پیامدهای کم آبی و خشکسالی زاینده‌رود در حوزه‌ی اجتماعی:

طی مصاحبه‌های به عمل آمده، مشارکت‌کنندگان بر این عقیده بودند که معضل کم آبی و خشکسالی زاینده‌رود به کاهش انسجام در سطح اجتماع منجر شده است. به واقع تجارب مشترک مشارکت‌کنندگان حاکی از آن است که قطع شدن مقطعی، دوره‌ای و اخیراً کامل آب رودخانه زاینده‌رود در شهر اصفهان و بویژه در سمت شرق شهر (پایین دست رودخانه) از مشارکت اجتماعی و مدنی شهروندان کاسته است و ناتوانی و استیصال کنشگران محلی برای کنترل شرایط زندگی‌شان در موقعیت بی آبی و کم آبی را فراهم آورده است. پدیده‌ی خشکسالی برای شهروندان آثاری چون ناامید شدن از جاری شدن دائمی آب، دلسرد شدن از مشارکت در فعالیت‌های مدنی و اجتماعی برای حل معضل خشکسالی زاینده‌رود (افول احساس اثرگذاری در مقابله با خشکسالی و کم آبی)، بی‌تفاوت شدن و بیگانگی نسبت به پیامدهای خشکسالی (کم رنگ شدن پدیده‌ی خشکسالی در اذهان عمومی)، افول احساس مسئولیت‌پذیری شهروندان نسبت به معضل خشکسالی و در نهایت ترغیب شدن به عدم همکاری و همیاری جمعی را به همراه داشته است؛ چراکه ظهور و تجلی فقر، محرومیت و نابرابری‌ها بویژه در سمت شرق اصفهان رو به گسترش است و فقدان طرح و برنامه‌های کاربردی و عملیاتی از سوی کارگزاران و مسئولان برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی منتج از خشکسالی تجربه شده است. مشارکت‌کنندگان بین نیازها و خواسته‌هایشان متناسب با اقدامات و عملکرد مسئولان و تصمیم‌گیران، واگرایی و تناقض فاحشی را احساس می‌کنند و بر این باورند که نهادهای تصمیم‌گیر در منطقه توجهی به گروه‌ها و اقشار آسیب‌پذیر ندارند و منافع گروه‌های ضعیف در برنامه‌ریزی‌ها لحاظ نمی‌شوند و تصمیمات‌شان نه تنها در جهت حمایت از مردم محلی نبوده بلکه عمدتاً در جهت حفظ منافع شخصی است. طبق بیانات مشارکت‌کنندگان، مسئولان نسبت به میراث اجتماعی و فرهنگی شهر و حفاظت از محیط زیست بی‌توجه و در موقعیت‌هایی با مداخلات

غیرکارشناسی و تعصبات، اختلافات محلی را دامن زده‌اند. به عنوان مثال عباس ۶۴ ساله می‌گوید: «توو اعتراضاتی که کشاورزا به قطع شدن آب داشتن چند سال پیش، خیلی‌ها آسیب دیدن و دو سه نفر هم جون باختن، ولی هیچ اتفاقی نیفتاد، هیچ مسئولی جوابگوی این اعتراضات نبود!!! کشاورزا بی‌خیال شدن از بیان اعتراضشون و حضورشون در فعالیت‌های مدنی کم شد». در شرایط کنونی جامعه‌ی محلی به این سطح از آگاهی رسیده است که تصمیمات و اقدامات مسئولان چندان بر مبنای نیازها و مسائل گروه‌های هدف انجام نشده است و پیامدهای ذکر شده بی‌اعتمادی و نارضایتی شهروندان نسبت به عملکرد و کارآمدی مسئولان در پیگیری و حل معضل کم‌آبی و خشکسالی رودخانه زاینده‌رود را موجب شده است. رضا ۳۸ ساله می‌گوید: «من و خیلی از افرادی که می‌شناسم، دیدمون نسبت به سازمان آب و استانداری و شورای شهر عوض شده. بهشون دیگه اعتماد نداریم، هیچ کدوم هیچ تلاشی جدی برای حل مشکل قطع شدن آب و خشکسالی انجام ندادن».

مشارکت‌کنندگان عوامی را ذکر کردند که باعث عدم تمایل‌شان به مشارکت در امور مدنی مربوط به حوزه‌ی آب شده است، شامل عدم سازگاری بین برنامه‌ها و طرح‌های نهادهای رسمی و سازمان‌های غیردولتی و سمن‌های حامی محیط زیست، عدم حمایت‌های معنوی، مالی و اجرایی سازمان‌ها و نهادهای تصمیم‌گیر مرتبط از تشکل‌های مردمی، عدم مسئولیت‌پذیری مشارکت‌کنندگان نسبت به رعایت رفتارهای زیست‌محیطی، نبود طرح‌های کاربردی و اجرایی برای تقویت تشکل‌های مردمی و حامیان محیط زیست، مشکلات اجرایی و فرهنگی مربوط به فعالیت‌های گروهی در تشکل‌های مردمی و حامیان محیط زیست.

به عنوان مثال امیر ۳۷ ساله می‌گوید: «قبلاً خیلی بیشتر علاقه داشتم که در اموری که مربوط به مقابله با خشکسالی بود، شرکت کنم، مثلاً تدوین مقاله در مجله‌ها و وبلاک‌ها، عضویت در گروه‌های سبزمحور و حامیان محیط زیست، همایش‌ها و سمن‌ها و گردهمایی‌ها، اما کم‌کم اومدم کنار چون هرچه قدر تلاش کردیم اون نتیجه‌ای که می‌خواستیم دریافت نشد و ما هم کم‌کم ناامید و دلسرد شدیم و رها کردیم، فقط تنها کاری که میشه کرد دیدن خشکی

زاینده‌روده و حسرت خوردن به حالشه».

مشارکت‌کنندگان بیان نمودند که با ظهور خشکسالی و کم آبی در رودخانه‌ی زاینده‌رود، احساس داشتن امنیت بهداشتی و اجتماعی در فضای شهر اصفهان رو به افول است که در ادامه به علل و عوامل آن اشاره شده است: - مشکل کمبود آب و قطعی‌های مکرر آن، عدم احساس امنیت بهداشتی کنشگران محلی را به همراه داشته است، چراکه سموم فاضلابی به آب شهری وارد شده است و سطح بهداشت عمومی را تحت تأثیر قرار داده است؛ از عوارض ورود سموم به بستر آب شهری، بروز و افزایش بیماری‌هایی چون ام‌اس و سرطان است. - کم آبی و خشکسالی رودخانه‌ی زاینده‌رود بویژه در پایین دست رودخانه، به مهاجرت روستاییان به شهر اصفهان منجر شده است (به منظور تغییر در شرایط زندگی‌شان بویژه از منظر اشتغال). جابه‌جایی و مهاجرت باعث رشد سکونت‌گاه‌های غیررسمی در حاشیه‌ی شهر شده که از پیامدهای آن گسترش هنجارشکنی‌های اجتماعی و افزایش میزان جرائم و معضلات اجتماعی و احساس ناامنی در سطح شهر است. به علاوه با بروز کم آبی و خشکسالی رودخانه‌ی زاینده‌رود و خلوت شدن فضای عمومی کنار ساحل، این مکان را به عنوان پاتوقی برای گروه‌های خلافکار تبدیل کرده و امنیت اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است (مانند رد و بدل شدن مواد مخدر در زیر پل‌ها و ...). ثریا ۴۵ ساله می‌گوید: «خود همین آشنایی‌هایی که در کنار ساحل به وجود می‌یاد، باعث احساس امنیت توو شهر میشه و خطا و جرمو کم میکنه».

سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی توسعه‌ی اجتماعی جوامع مطرح است، چراکه افزایش سطح سرمایه‌ی اجتماعی زمینه را برای تقویت مشارکت، اعتماد، همبستگی اجتماعی، ارتباطات و پیوندهای اجتماعی، همکاری، هنجارهای اجتماعی و ... فراهم می‌سازد. بدین‌سان نفوذ سرمایه‌ی اجتماعی در لایه‌های نظام اجتماعی، سبب تحقق فعالیت‌های جمعی و عام‌المنفعه در جوامع می‌شود. از این رو همواره سعی کارگزاران اجتماعی و سیاسی بر این بوده تا زمینه را برای حضور حداکثری مردم در امور مختلف فراهم

سازند تا مشروعیت اجتماعی حاصل گردد. ایجاد اعتماد اجتماعی و به دنبال آن جلب کمک‌ها و مشارکت مردمی یکی از روزه‌هایی بوده که همواره دولت‌مردان برای کاهش هزینه‌ها از آن بهره برده و بر آن تأکید داشته‌اند. در این بین شهر اصفهان در زمره‌ی شهرهای سرآمدی بوده که متمولان و حتی دیگر اقشار جامعه همواره بر امور عام‌المنفعه و مشارکت در ایجاد زیرساخت‌های توسعه‌محور مشارکت داشته‌اند اما با توجه به اینکه این شهر چند سالی است با خشکسالی و کم‌آبی دست و پنجه نرم می‌کند، کم‌آبی‌ها و خشکسالی‌های اخیر زاینده‌رود، زمینه‌ی افول سطح سرمایه‌ی اجتماعی را رقم زده و از سویی افزایش آسیب‌های اجتماعی را موجب شده است. یافته‌های این بخش از مطالعه با پژوهش علی‌پور و همکاران (۱۳۹۲)؛ قاسم زاده و همکاران (۱۳۹۳) و مطالعه‌ی مکلمن و همکاران (۲۰۱۵) همراستاست. بدین سان می‌تواند سیاست‌های تدوینی در سطح کلان و منطقه‌ای به سمتی سوق پیدا کنند که اثرات مختلف منفی و تخریبی خشکسالی که بی‌اعتمادی، کاهش مشارکت‌های اجتماعی و مدنی و آسیب‌های اجتماعی از جمله این پیامدهاست، به حداقل برسد. در ادامه جدول مضامین برساخت شده از پیامدهای اجتماعی کم‌آبی و خشکسالی زاینده‌رود (سرمایه‌ی اجتماعی) ارائه شده است.

جدول شماره ۲: مضامین برساخت شده از پیامدهای فرهنگی کم آبی و خشکسالی زاینده رود (سرمایه‌ی اجتماعی)

هدف	تعداد اظهارات	مقوله‌های فراگیر	مقوله‌های سازمان دهنده	مقوله‌های پایه
مضامین برساخت شده از پیامدهای اجتماعی کم آبی و خشکسالی زاینده رود	۱۱ عبارت	سرمایه‌ی اجتماعی	۱- کاهش مشارکت اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> - احساس ناتوانی و بی‌قدرتی کنشگران در مشارکت با پدیده‌ی خشکسالی - وجود تناقض بین خواسته‌های مردم و مسئولان - عدم همکاری و همیاری جمعی بین کنشگران محلی - کاهش وجدان جمعی در برابر خشکسالی - عدم سازگاری بین عملکردهای اجتماعی با نهادهای رسمی - احساس عدم توانایی کنترل شرایط زندگی توسط مردم - احساس بیگانگی در بین مردم - احساس نابسامانی در ساختار - ناامیدی و دلسردی مردم در برابر خشکسالی - عدم حمایت نهادها و سازمان‌های مربوط با فعالیت‌های داوطلبانه‌ی مردم - بی‌توجهی مسئولان به خواسته‌های مردم
	۹ عبارت		۲- کاهش مشارکت مدنی	<ul style="list-style-type: none"> - عدم سازگاری بین نهادهای رسمی و سازمان‌های غیر دولتی و سمن‌های حامی محیط زیست - نبود طرح‌های جامع برای ایجاد و تقویت تشکل‌های مردمی حامی محیط زیست - عدم حمایت‌های مالی، معنوی و اجرایی از سازمان‌های غیردولتی و سمن‌های حامی محیط زیست - مشکلات مربوط کار گروهی و تقسیم کار در تشکل‌های مردمی حامی محیط زیست - عدم مسئولیت‌پذیری مشارکت‌کنندگان نسبت به وظایف محول شده - ناتوانی سازمان‌های غیردولتی و سمن‌های حامی محیط زیست در بسیج کردن مردم

هدف	تعداد اظهارات	مقوله‌های فراگیر	مقوله‌های سازمان دهنده	مقوله‌های پایه
مضامین بر ساخت شده از پیامدهای اجتماعی کم‌آبی و خشکسالی زاینده رود	۱۴ عبارت	۲- کاهش اعتماد اجتماعی	۱- کاهش اعتماد رسمی عوامل زمینه‌ساز بی‌اعتمادی به سازمان‌ها	- کاهش رضایت اجتماعی از عملکرد مسؤلان - کاهش رضایت اجتماعی از فضا و بافت شهری - واگرایی عملکرد بین سازمان‌های آب، استانداری، شورای شهر و شهرداری اصفهان - نبود طرح‌های کاربردی برای مقابله با توزیع نابرابر ثروت و فرصت‌های اجتماعی منتج از خشکسالی - همراستا نبودن اهداف دستگاه‌های مرتبط در مقابله با پدیده‌ی خشکسالی
	۱۶ عبارت		۲- کاهش اعتماد تعمیم‌یافته عوامل زمینه‌ساز بی‌اعتمادی به گروه‌های اجتماعی	- ترجیح منافع فردی نسبت به منافع جمعی در سطوح ملی- منطقه‌ای نسبت به مسأله‌ی آب - عدم پایبندی به اصول اخلاقی و زیست‌محیطی در سطوح ملی- منطقه‌ای - عدم اعتماد به کارآمدی مسؤلان و شهروندان در اجرای وظایف در سطح ملی- منطقه‌ای - گسترش احساس محرومیت و نابرابری‌ها بویژه در سمت شرق اصفهان - افول حس مهم تلقی شدن فضای شهری اصفهان در سطح ملی- منطقه‌ای
	۱۱ عبارت		۳- افول احساس امنیت در فضای شهری	- افول احساس سالم بودن (امنیت داشتن) فضای عمومی کنار ساحل زاینده‌رود به دلیل تغییر کاربری فضا - خلوت شدن فضای پیاده‌روری و ورزش همگانی در کنار رودخانه و گسترش احساس ناامنی - ظهور پاتوق گروه‌های خلافکار به دلیل خلوت بودن فضای عمومی کنار ساحل - مهاجرت روستاییان به شهر و رشد سکونت‌گاه‌های غیر رسمی حاشیه شهر و افزایش ناامنی - کم رنگ شدن تعاملات بین فردی و آشنایی‌های جدید در کنار ساحل - کم رنگ شدن حضور گروه‌های دوستانه و خانوادگی در کنار ساحل و خلوت شدن فضای عمومی کنار ساحل - قطعی‌های مکرر و نامنظم آب و در نتیجه کاهش سطح بهداشت و همه‌گیری بیماری‌هایی چون وبا

هدف	تعداد اظهارات	مقوله‌های فراگیر	مقوله‌های سازمان دهنده	مقوله‌های پایه
مضامین برساخت شده از پیامدهای اجتماعی کم آبی و خشکسالی زاینده رود	۱۱ عبارات	سرمایه‌ی اجتماعی ۳-کسترش ناهنجارهای اجتماعی	۱- کسترش هنجارشکنی‌های اجتماعی	- بروز و گسترش ناهنجاری‌ها در زیر پل‌ها مانند رد و بدل شدن مواد منحدر و ... - ظهور پاتوق گروه‌های خلافکار به دلیل خلوت بودن فضای عمومی - مهاجرت روستائیان به شهر و رشد سکونت‌گاه‌های غیررسمی حاشیه شهر و افزایش معضلاتی چون فقر، بیکاری، دزدی، طلاق و ...
	۷ عبارات		۲- کاهش احساس اثرگذاری	- ناامیدی و دلسرد شدن مردم در مقابله با پدیده‌ی کم آبی و خشکسالی - کم رنگ شدن پدیده‌ی خشکسالی در اذهان عمومی - کاهش احساس اثرگذاری در مقابله با خشکسالی و کم آبی - کاهش احساس مسئولیت‌پذیری و وجدان جمعی - بی‌توجهی به ارزش‌های فرهنگی و تاریخی شهر - بی‌توجهی به حفظ محیط زیست و عدم رعایت رفتارهای زیستی مؤثر

۲-۲- روایت شهروندان از بازانديشی پیامدهای کم آبی و خشکسالی زاینده رود در حوزه‌ی فرهنگی:

طبق بیانات مشارکت‌کنندگان خشکسالی و کم آبی رودخانه به موجب آلودگی‌های آب و هوایی بر سبک زندگی و ذائقه‌ی غذایی شهروندان تأثیر گذاشته است، مشارکت‌کنندگان در ارتباط با تغییر در سبک زندگی‌شان، به روی آوردنشان به مصرف مداوم فست فودها و مراجعه به رستوران‌ها در هنگام تفریح و گردش و اوقات فراغت اشاره کردند، این در حالی است که در زمان جاری بودن آب در رودخانه، بیشتر شهروندان از هر قشر و طبقه‌ای، زمان‌های فراغت خود را در کنار ساحل رودخانه و به اتفاق خانواده، آشنایان و دوستان به صرف غذاهای خانگی و محلی می‌گذراندند. آمنة ۳۸ ساله می‌گوید: «قبلنا که رودخونه به طور مداوم آب داشت، بیشتر موقع‌ها توو پیک نیک و گشت و گزار نگاه که می‌کردیم اکثر خانواده‌ها میومدن توو

پارک‌ها و سفره پهن می‌کردن و غذاهای خونگی شونو گرم می‌کردن و دور هم می‌خوردن، بیشتر غذاهای خونگی میل می‌شد و کمتر می‌رفتن سراغ فست فود و رستوران و کافی‌شاپ اما حالا اصلاً اینجوری نیس، یه موقعی‌هایی که بیرون هستیم با اقوامو دوستانمون یا میریم فست فود یا رستوران اونم بیشتر توو سیتی سنتر زیر سقف و فضای بسته».

مشارکت‌کنندگان در ارتباط با تغییر در ذائقه‌ی غذایی‌شان به اثراتی همچون کاهش مصرف برنج لنجان (برنج لنجان یکی از انواع برنج‌های ایرانی است که در خطه‌ی لنجان کشت می‌شود. این خطه از لحاظ کشاورزی مهم‌ترین تولیدکننده‌ی برنج در استان اصفهان به شمار می‌آید) در غذاهای روزانه به دلیل آلودگی آب و گرایش به مصرف برنج‌های شمالی، هندی و پاکستانی و همچنین روی آوردن به مصرف غذاهای نانی اشاره کردند.

طی مصاحبه‌های صورت گرفته از دیگر پیامدهای فرهنگی خشکسالی و کم‌آبی رودخانه می‌توان به کاهش خلق آثار ادبی و شاهکارهای هنری هنرمندان اصفهانی و تغییر در محتوا و متن آثار اشاره کرد؛ چراکه با بروز پدیده‌ی خشکسالی به دلیل عدم نشاط و سرزندگی اجتماعی و نبود مخاطب برای ترغیب هنرمندان به خلق آثار و ارائه‌ی هنرشان، بی‌انگیزگی این قشر رو به افزایش بوده و موجب افول طبع هنری و کاهش خلق آثار شده است. مهرداد ۴۹ ساله می‌گوید: «من توو بازار هستم، خیلی از هنرمندا رو توو میدون نقش جهان می‌بینم که میان به دوستانشون توو بازار سر میزنن، اکثراً فقط میان می‌شینن، انگار حوصله ندارن و خلاقاشون تنگه».

تقلیل یافتن اشعار با مضمون زاینده‌رود و وصف زیبایی‌هایش، افزایش طنزهای تلخ در وصف مرده رود، کم‌رنگ شدن عکاسی، تصویربرداری و اجرای موسیقی‌های زنده‌ی سنتی و پاپ در کنار ساحل، از دیگر آثار فرهنگی کم‌آبی و خشکسالی زاینده‌رود به عنوان بعد عینیت‌یافته سرمایه‌ی فرهنگی است که مشارکت‌کنندگان در حین مصاحبه به آن‌ها اشاره کردند. به عنوان مثال پروانه ۴۱ ساله می‌گوید: «والا موقع‌هایی که رودخانه پر آب بود، بویره کنار سی‌وسه پل و پل‌خواجه پر بود از عکاسا، نقاشا، آوازه‌خوان‌ها و نوازندگانی که فضا را شاد و لذت‌بخش می‌کردن ولی الان که آب نیس حتی یکی از این هنرمندا رو نمی‌بینیم، آخه اصلاً کسی نمیره که بخوان اینا هم برن».

طبق بیانات مشارکت‌کنندگان از دیگر پیامدهای فرهنگی خشکسالی رودخانه عدم گرایش کنشگران محلی به آثار باستانی وابسته به رودخانه است، چراکه خشکسالی موجب بروز احساس افسوس و حسرت شهروندان نسبت به شرایط بی‌آبی شده و حس وابستگی، خودمانی بودن، سرزندگی و نشاط اجتماعی در فضای عمومی کنار رودخانه را تقلیل داده است.

شعله ۵۳ ساله می‌گوید: «من برای پروفیسور پوپ خیلی احترام قائلم چون برای رونق فرهنگ کشورمون اقدامات مهمی کرده و وابستگی و صداقتشو توو اجازه دفن شدن خودش و همسرش در کنار پل خواجه توو اصفهان نشون داده، من معمولاً هر به ماه به بار می‌رفتم سر آرامگاهشون، ولی باورتون همیشه توو این کم‌آبی الان خیلی وقته، شاید حدوداً ۹ ماهه نرفتم!!! نه پل خواجه رو دیدم و نه سری به آرامگاه پروفیسور پوپ زدم!!!»

تقلیل حس افتخار نسبت به منحصر به فرد بودن شهر تاریخی - فرهنگی اصفهان به عنوان سرمایه‌ی نمادین از دیگر پیامدهای فرهنگی کم‌آبی و خشکسالی زاینده‌رود است که کنشگران محلی مطرح کردند، چراکه مسیر رودخانه فاقد چشم‌انداز زیبا و منحصر به فردی است که در شرایط جریان داشتن آب در رودخانه، حاکم بود (کویری شدن بستر رودخانه در فضای شهر و تغییر در فرم شهر و محروم شدن از لذت دیدن امواج آرام و ملایم آب) و جاذبه‌های گردشگری بویژه جذابیت پل‌های تاریخی را تحت تأثیر قرار داده است.

صادق ۳۲ ساله می‌گوید: «همیشه وقتی نصفه شبا از تهران می‌رسیدم اصفهان، توو مسیری که جریان آب و تمیزی شهرو می‌دیدم، به حس شادی و غرور خاصی بهم دست می‌داد و با خودم می‌گفتم هیچ جا اصفهان ما همیشه، ولی وقتی میبینم دیگه آب جاری نیس و منظره‌ی دلخراشی داره با حسرت و غم از مسیر رد میشم و اون حس غرور رو ندارم.»

با توجه به کم آبی‌ها و خشکسالی‌های اخیر در شهر اصفهان زمینه‌ی کاهش ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی و نمادین رقم خورده است؛ بدین‌سان می‌تولد سیاست‌های تدوینی در سطح کلان و منطقه‌ای به سمتی سوق پیدا کنند که اثرات مختلف منفی و تخریبی خشکسالی که تغییر در ذائقه‌ی غذایی، سبک زندگی، کاهش خلق آثار هنری و ادبی، عدم گرایش به آثار باستانی و افول حس افتخار به منحصر به فرد بودن شهر از جمله‌ی این پیامدهاست، به حداقل برسد.

یافته‌های این بخش از پژوهش با مطالعه‌ی آگورمان و هنری (۲۰۱۴) همراستاست. در ادامه جدول مضامین بر ساخت شده از پیامدهای فرهنگی کم‌آبی و خشکسالی زاینده‌رود (سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی نمادین) ارائه شده است.

جدول شماره‌ی ۳: مضامین بر ساخت شده از پیامدهای فرهنگی کم‌آبی و خشکسالی زاینده‌رود (سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی نمادین)

هدف	تعداد اظهارات	مقوله‌های فراگیر	مقوله‌های سازمان دهنده	مقوله‌های پایه
مضامین بر ساخت شده از پیامدهای فرهنگی کم‌آبی و خشکسالی زاینده‌رود	۵ عبارت	سرمایه فرهنگی	۱- تغییر در عادات و آورها	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش مصرف برنج لنجان در غذاهای روزانه به دلیل آلودگی آب - گرایش به برنج هندی، پاکستانی یا شمالی - روی آوردن به غذاهای نانی - روی آوردن به فست فودها و رستوران‌ها به جای غذای خانگی - در هنگام تفریح و گردش
	۹ عبارت		۲- تغییر در بعد عینیت یافته سرمایه‌ی فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> - افول طبع هنری هنرمندان به دلیل خشکسالی زاینده‌رود - بی‌انگیزگی هنرمندان به دلیل عدم نشاط و سرزندگی اجتماعی در فضای شهری - نبود مخاطب برای ترغیب هنرمندان به خلق آثار و ارائه هنری‌شان - کاهش خلق آثار فرهنگی توسط هنرمندان اصفهانی - تقلیل اشعار در وصف زاینده‌رود - افزایش طنزهای تلخ در وصف مرده‌رود - کم‌رنگ شدن عکاسی و تصویربرداری در کنار ساحل - کم‌رنگ شدن اجرای موسیقی‌های زنده سستی و پاپ در کنار ساحل زاینده‌رود
	۱۳ عبارت		۳- تغییر در بعد تجسم یافته سرمایه‌ی فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> - عدم گرایش به آثار باستانی - وابسته به رودخانه

هدف	تعداد اظهارات	مقوله‌های فراگیر	مقوله‌های سازمان دهنده	مقوله‌های پایه
	۹ عبارت	سرماپیایی نمادین	فرد بودن شهر تولید حس افتخار به منحصر به فرد بودن شهر	- تقلیل احساس علاقه‌مندی و افتخار به شهر - از بین رفتن چشم‌انداز زیبا و منحصر به فرد نبودن مسیر رودخانه - کویری شدن بستر رودخانه در فضای شهری - محروم شدن از لذت دیدن امواج آرام و ملایم آب - کاهش جاذبه‌های گردشگری به دلیل خشکسالی

۲-۳- روایت شهروندان از بازانديشی پیامدهای کم آبی و خشکسالی زاینده‌رود در حوزه‌ی

سیاسی:

مشارکت‌کنندگان بر این عقیده بودند که با بروز خشکسالی و تحت تأثیر قرار گرفتن مستقیم و غیرمستقیم زندگی‌هایشان، از تصمیم‌گیران و مجریان انتظار رسیدگی به حل دغدغه‌هایشان را داشتند، اما از آنجایی که تا کنون هیچ اقدام مؤثری برای حل معضلات‌شان صورت نگرفته و همچنان آب در رودخانه به طور مداوم جاری نیست، موجب ناامیدی و دلسردی مردم شده و اثراتی همچون نارضایتی از کیفیت زندگی و شرایط معیشتی بروز کرده است، همچنین نگرش منفی شهروندان نسبت به اقدامات کارگزاران و مسئولان را موجب شده است و به بیان دیگر بی‌اعتمادی‌شان نسبت به اقدامات کنشگران سیاسی را به همراه داشته است.

به علاوه مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که نهادهای تصمیم‌گیر توسعه در منطقه توجهی به گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه بویژه قشر آسیب‌پذیر ندارند و منافع گروه‌های ضعیف را در طرح‌ها و برنامه‌ها در نظر نمی‌گیرند؛ مردمی که همیشه در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی حضور داشته‌اند ولی اکنون نیازهای آن‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد و در طی این چند دهه صدایشان پژواک چندانی نداشته است، پیامد این آثار، کم‌رنگ شدن حضور مردم در امور اجتماعی و صحنه‌های سیاسی است و یا به بیان دیگر با بروز خشکسالی و کم‌آبی، سطح

مشارکت سیاسی و اعتماد سیاسی شهروندان کاهش یافته است، در شرایط ذکر شده، جامعه‌ی محلی به این سطح از آگاهی رسیده است که تصمیمات و اقدامات مسئولان چندان بر مبنای مسائل گروه‌های هدف انجام نشده و مردم را نسبت به نهادهای مربوط بدبین کرده است.

مش یدالله ۶۰ ساله می‌گوید: "ما کشاورزان تو دورهی قبلی که نماینده‌های مجلس انتخاب می‌شدن، حواسمونو جمع کردیم که ببینیم کدوم یکی شون دغدغه‌های ما توو رسالتش هست که اونو انتخاب کنیم، نماینده‌ها میومدن، صحبت می‌کردن، وعده می‌دادن و خلاصه مارو به بازگردوندن آب دلگرم و امیدوار می‌کردن، ما هم رفتیم بهشون رأی دادیم، انگار به جای عمل فقط وعده و وعید بوده!!!! ما از این نوع برخورد ناراحتیم، به اعتماد ما بد جواب دادن.".

اکبر ۵۸ ساله می‌گوید: "وقتی به مسئولان مراجعه کردیم و مشکلات و بدبختی‌هامونو گفتیم، انتظار داشتیم یه اقدام جدی انجام بدن، ولی اونانه تنها پاسخگو نبودن بلکه هیچ کاری هم نکردن، ما با بدبختی‌هامون داریم می‌سوزیم و می‌سازیم، فقر و درباری نصیبمون شده، دیگه تصمیم گرفتیم توو انتخابات و برنامه‌های سیاسی فعالیت نکنم، واسه همین توو انتخابات دیگه شرکت نمی‌کنم و رأی نمی‌دم".

با توجه به کم‌آبی‌ها و خشکسالی‌های زاینده‌رود، زمینه‌ی کاهش سرمایه‌ی سیاسی شهروندان رقم خورده است. بنابراین می‌طلبند که سیاست‌های تدوینی در سطح کلان و منطقه‌ای به سمتی سوق پیدا کنند که اثرات مختلف منفی و تخریبی خشکسالی که کاهش اعتماد سیاسی و کاهش مشارکت سیاسی از جمله‌ی این پیامدهاست، به حداقل برسد. پژوهشی متناسب با یافته‌های این بخش از مطالعه، یافته نشد. فقدان مطالعه‌ای با مضامین خشکسالی، کم‌آبی و اثرات سیاسی منتج از این پدیده، در واقع ناشی از وجود خلأ در پژوهش‌های قبلی است. در ادامه جدول مضامین بر ساخت شده از پیامدهای فرهنگی کم‌آبی و خشکسالی زاینده‌رود (سرمایه‌ی سیاسی) ارائه شده است.

جدول شماره ۴: مضامین برساخت شده از پیامدهای فرهنگی کم آبی و خشکسالی زاینده رود
(سرمایه‌ی سیاسی)

هدف	تعداد اظهارات	مقوله‌های فراگیر	مقوله‌های سازمان دهنده	مقوله‌های پایه
مضامین برساخت شده از پیامدهای اجتماعی کم آبی و خشکسالی زاینده رود	۱۷ عبارت	سرمایه‌ی سیاسی	۱- اعتماد سیاسی کاهش اعتماد سیاسی	کاهش اعتماد به اقدامات کنشگران سیاسی عدم رضایت از عدالت اجتماعی کاهش رضایت از کیفیت زندگی و شرایط معیشتی نگرش منفی شهروندان نسبت به برنامه‌ریزی مسئولان
	۱۴ عبارت		۲- مشارکت سیاسی کاهش مشارکت سیاسی	ناامیدی و دلسردی مردم در برابر خشکسالی مقابله نهادها با فعالیت‌های داوطلبانه‌ی مردم بی‌توجهی مسئولان به خواسته‌های مردم احساس بی‌اهمیتی ساختار به انتظارات مردم

۲-۴- روایت شهروندان از بازاندیشی پیامدهای کم آبی و خشکسالی زاینده رود در حوزه‌ی اقتصادی:

طبق بیانات مشارکت‌کنندگان بروز خشکسالی و کم آبی در رودخانه زاینده رود بر صنعت گردشگری به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع اقتصادی استان تأثیر گذاشته است و موجب شده که حضور و اقامت گردشگران داخلی و خارجی در شهر اصفهان کاهش یابد؛ چراکه جذابیت‌های طبیعی، تاریخی، فرهنگی شهر اصفهان با رودخانه‌ی زاینده رود تبلور می‌یابد. این شرایط بر سطوح اقتصاد خرد و کلان شهری و روستایی استان اصفهان، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی گذاشته است و بی‌رونقی و رکود سنگین اقتصادی در بازار و سطح درآمد و وضعیت معیشت شهروندان بویژه قشر کشاورزان را به ارمغان آورده است. طی مصاحبه‌های به عمل آمده، مشارکت‌کنندگان بر این عقیده بودند که وضعیت معیشت کشاورزان سمت شرق اصفهان (روستاهای پایین دست رودخانه) در چهار بعد سرمایه، درآمد، سود و هزینه، تأثیرات قابل توجهی داشته است که از آن جمله می‌توان به کاهش میزان سرمایه‌ی کشاورزان

اشاره نمود، چراکه زمین‌های کشاورزی این قشر به دلیل خشکسالی و نبود آب برای آبیاری مزارع به نصف قیمت نزول و ارزش آن به طور چشمگیری کاهش یافته است؛ این در حالی است که هزینه‌های کشت بذر در زمین‌های کشاورزی (بالا بودن هزینه‌ها بویژه هزینه‌ی آب مصرفی در کشاورزی از طریق تعبیه‌ی چاه‌های عمیق) رو به افزایش است و کشاورزان به دلیل عدم توانایی کاشت بذر محصولات آبدار در زمین‌ها (دریافت وام برای کشت کردن بذر محصولات و عدم توان پرداخت اقساط وام‌ها به دلیل پایین بودن سطح درآمد) نیازمند کاشت بذرهایی با میزان آب مصرفی کم هستند؛ این شرایط موجب ترغیب کشاورزان به تغییر کاربری زمین‌هایشان شده و باعث شده که کشاورزان گرایش فزاینده‌ای برای فروش زمین‌های کشاورزیشان را داشته باشند. به عنوان مثال علی ۵۳ ساله می‌گوید: "از وقتی خشکسالی شروع شد، آروم آروم، قیمت زمین‌ها من اومد پایین، تنها دلخوشی که داشتیم و می‌تونستیم روش حساب کنیم برای خودمون و آینده‌ی بچه‌ها من، همین زمینی بود، الان قیمت زمین از نصف هم کمتر شده، همه‌ی هم‌دهی‌ها من ایتقدر اوضاعشون بده که دارن زمیناشونو می‌فروشون به شهری‌ها، آخه نه کار داریم، نه پول و نه پس‌اندازی که بتونیم از اون طریق زندگی‌مونو بچرخونیم، این شده وضعیتمون...".

در ابعاد درآمد و سود نیز وضعیت به همین سان بوده و کشاورزان به دلیل کم‌آبی باید کشت خود را تغییر داده تا بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند؛ این امر باعث ریزش مصرف‌کنندگان شده (چراکه طبع و ذائقه‌ی بیشتر مصرف‌کنندگان به سمت کشتهایی است که بذر آن‌ها نیاز به آب دارد مانند خربزه، هندوانه و ...)، بنابراین کشاورزان برای با دولت و دلالان معامله روبرو هستند؛ دولت به دلیل دیرکرد در پرداخت، مشتری مناسبی برای کشاورزان قلمداد نمی‌شود چرا که کشاورزان برای گذران زندگی و بهبود توان مالی در جهت زیر کشت بردن زمین، نیاز به پول نقد دارند، بنابراین برای معامله، دلالان را انتخاب می‌کنند که این امر باعث کاهش سود و درآمدهایشان می‌شود. این درآمد ناکافی نیز برای کشت کامل زمین کفایت نمی‌کند چرا که باید آب کرایه کنند و یا چاه‌هایی را در زمین تعبیه کنند که هزینه‌ی بالایی دارد، بنابراین کشاورزان بخش کوچکی از زمین را زیر کشت می‌برند که برای آنها درآمدی

بالغ بر حدود ۱۰٪ تا ۱۵٪ کل زمین را دارد. این روند مسبب کاهش مجدد درآمدها خواهد شد و وضعیت معیشتشان را سخت تر می کند. این شرایط موجب گرایش کشاورزان به مهاجرت و تغییر شرایط کاری آنها و روی آوردن به مشاغل کاذب، مخفی و غیرقانونی شده است. عباس ۴۹ ساله می گوید: «وقتی پولی در کار نباشه نمیتونیم کشتی هم انجام بدیم، من خودم حدوداً ۱۲ هکتار زمین دارم ولی از این مقدار شاید خیلی دسته بالا بگیرم ۱۵٪ از زمین زیر کشت، میزان درآمد من حدود ۱۰٪ از این زمینه که با این خرجا اصلاً با هم جور در نمیاد، این جریان واسه اکثر کشاورزای سمت شرق صدق می کنه و توو سالهای خشکسالی پیش اومده و همه‌ی ماها را داغون کرده، برای اینکه کشت کنیم مجبوریم بریم وام بگیریم که پرداخت وامها هم خودش یه مصیبتیه توو این بی پولی»، یافته‌های این بخش از مطالعه با پژوهش علی پور و همکاران (۱۳۹۲)؛ ریاحی و پاشازاده (۱۳۹۲)؛ و مطالعه مکلمن و همکاران (۲۰۱۵) همراستا است. در ادامه‌ی جدول مضامین برساخت شده از پیامدهای فرهنگی کم آبی و خشکسالی زاینده رود (سرمایه‌ی اقتصادی) ارائه شده است.

جدول شماره ۵: مضامین برساخت شده از پیامدهای فرهنگی کم آبی و خشکسالی زاینده رود

(سرمایه‌ی اقتصادی)

هدف	تعداد اظهارات	مقوله‌های فراگیر	مقوله‌های سازمان دهنده	مقوله‌های پایه
	۱۴ عبارت	سرمایه اقتصادی ۱- کاهش سرمایه اقتصادی و مالی کشاورزان	کاهش قیمت زمین‌های کشاورزی بی آب	- نبود آب برای آبیاری مزارع - سیر صعودی گرایش به فروش زمین‌های کشاورزی به دلیل خشکسالی - تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی
	۹ عبارت	۲- کاهش درآمد	۱- تغییر در کاشت محصولات	- عدم توانایی کاشت محصولات آبدار به دلیل خشکسالی - کاشت بذر محصولات خشک با آب مصرفی کم

هدف	تعداد اظهارات	مقوله‌های مقوله‌های		
		مقوله‌های فراگیر	سازمان دهنده	
مضامین بر ساخت شده از پیامدهای اجتماعی کم‌آبی و خشکسالی زاینده	عبارت ۱۹	۱-۲- کاهش درآمد شهروندان	۲- کاهش میزان کشت دلایل کاهش کشت محصولات	
			۱-۲- کاهش درآمد شهروندان	۲- کاهش میزان کشت دلایل کاهش کشت محصولات
	عبارت ۶ سرمایه اقتصادی	۳- کاهش سود کشاورزان	عرضه محصولات به دلان با قیمت‌های ناچیز	دلایل فروش محصولات به دلان
			۳- کاهش سود کشاورزان	عرضه محصولات به دلان با قیمت‌های ناچیز
عبارت ۷	۴- افزایش هزینه‌های کشاورزی	بلا بودن هزینه‌ی کرایه نمودن آب و تعبیه چاه‌های عمیق در زمین‌ها	کرایه کردن ساعتی آب برای کشت و آبیاری محصولات بلا بودن هزینه‌ی کرایه آب و تعبیه‌ی چاه‌های عمیق پایین بودن سطح درآمد کشاورزان تمایل به فروش زمین‌های کشاورزی و میل به مهاجرت روی آوردن به مشاغل کاذب و غیر قانونی	

بحث و نتیجه‌گیری:

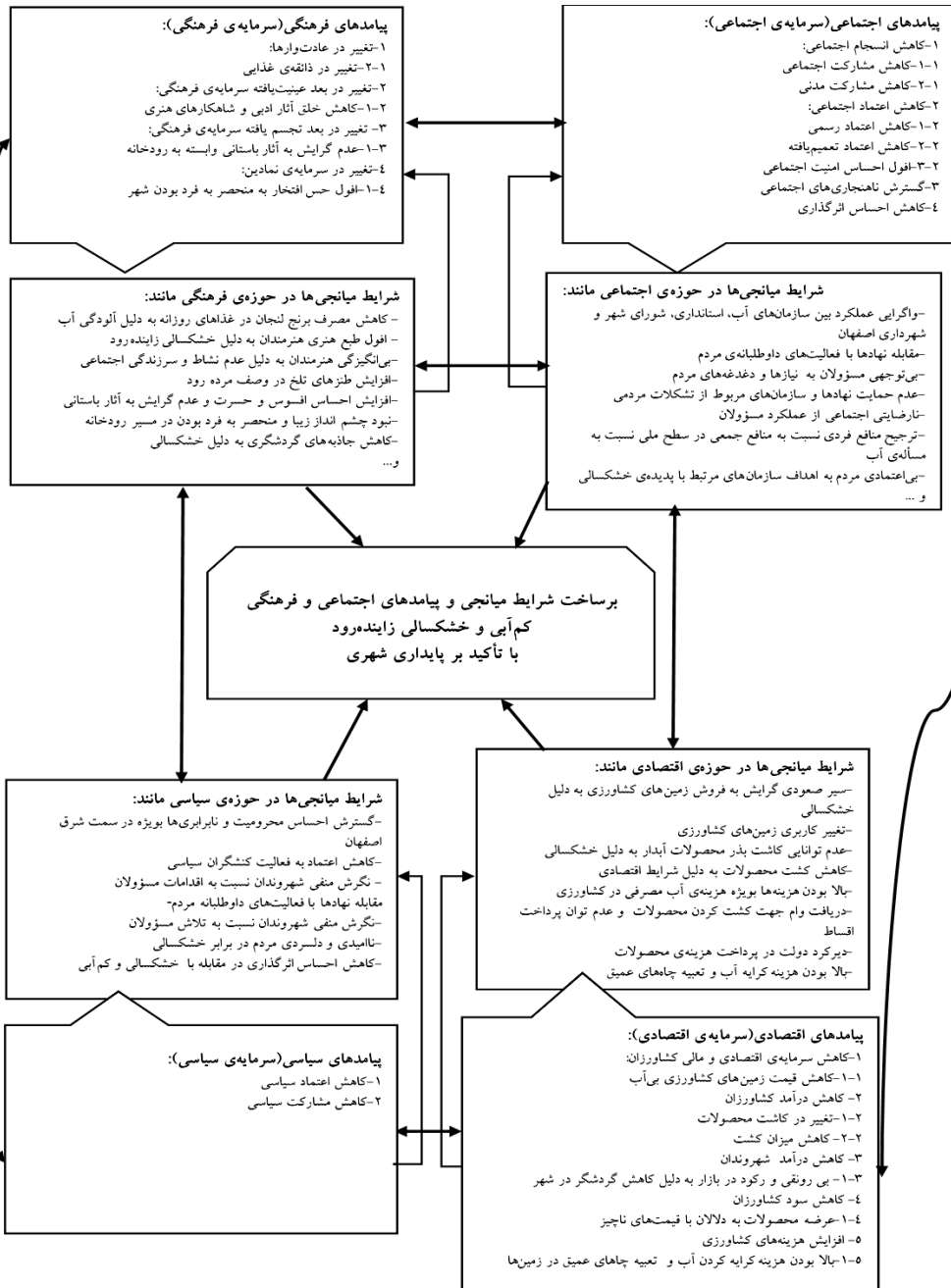
در یک دهه‌ی اخیر خشکسالی و بحران کم‌آبی و خشک شدن زاینده‌رود، آسیب‌های فراوانی در این حوضه‌ی آبخیز بزرگ پدید آورده است و باعث شده تا در طی این سال‌ها، ساکنان این منطقه شاهد خشک شدن زنده‌رود، شاهرگ حیاتی این پهنه‌ی جغرافیایی گسترده باشند. علاوه

بر کاهش نزولات جوی، افزایش جمعیت شهری و تقاضای فزاینده برای مصرف آب شرب و تقاضای رو به رشد صنایع سنگین مستقر در این حوضه (ذوب آهن و مجتمع فولاد مبارکه)، سوء مدیریت‌های معناداری نیز در این سال‌ها بر یگانه منبع آبی این حوضه‌ی بزرگ اعمال شده است (امینی فسخودی و میرزایی، ۱۳۹۳). پیامدهای پدیده‌ی مذکور، به تدریج تأثیر ناخوشایندی به صورت بحران طبیعی و انسانی بر کلیت نظام‌های سکونتگاهی و اکوسیستمی گذاشته و متأسفانه رو به گسترش است. بر اساس یافته‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها، شرایط میانجی بروز پیامدهای فرهنگی و اجتماعی کم‌آبی و خشکسالی زاینده‌رود در چهار محور کلی شامل حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و پیامدهای منتج از این شرایط، مشتمل بر نزول سطوح سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شهروندان دسته‌بندی شدند. در مدل مفهومی شماره‌ی (۱) ارتباط بین میانجی‌ها و پیامدها با تأکید بر پایداری شهری ترسیم شده است. بر اساس این مدل کم‌آبی و خشکسالی زاینده‌رود همچون کلیتی چند بعدی به نظر می‌رسد؛ این کلیت هم دارای شرایط میانجی ساختاری-کلان و هم دارای شرایط میانجی میانه و خرد است، به این معنا که بر اساس تجربه‌ی زیسته‌ی شهروندان اصفهانی، شرایط میانجی حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و پیامدهای منتج از آن‌ها شامل کاهش سطوح سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شهروندان اصفهانی، بر بحران وضعیت کم-آبی و خشکسالی زاینده‌رود افزوده است. با خشکی آب رودخانه‌ی زاینده رود، میزان انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی و رعایت هنجارهای اجتماعی نزد شهروندان در قالب سرمایه‌های اجتماعی کاهش یافته و این مسأله بیانگر آن است که زنده بودن، تداوم و حیات زاینده‌رود در حوزه‌ی اجتماعی نقش مهمی را در کیفیت رضایت و سبک زندگی شهروندان ایفا می‌کند، در حوزه سیاسی، سرمایه‌ی سیاسی شهروندان دستخوش تغییر شده و کاهش اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی شهروندان از تأثیرات منفی آن است. در حوزه‌ی اقتصادی و در قالب سرمایه‌ی اقتصادی، کاهش سرمایه‌ی اقتصادی و مالی شهروندان و بویژه قشر کشاورزان، کاهش درآمد و سود کشاورزان و شهروندان و افزایش هزینه‌ها بویژه هزینه‌های زمین‌داری را می‌توان برشمرد. در حوزه‌ی فرهنگی نیز تغییر در عادت‌واره‌ها، ابعاد عینیت‌یافته و تجسم‌یافته سطوح سرمایه‌ی فرهنگی و همچنین تغییر معنایی سرمایه‌های نمادین شهروندان از تأثیرات منفی این حوزه است. با توجه به یافته‌های مطالعه‌ی حاضر می‌توان گفت که خشکسالی به وجود آورنده شبکه‌ای از پیامدها است و تأثیرات آن بسیار فراتر از خشکسالی فیزیکی تجربه شده است؛ این پیچیدگی

به دلیل آن است که آب از جمله ملزومات اساسی برای تولید کالاها و ارائه‌ی خدمات است. شعاع تأثیر اقتصادی پدیده‌ی خشکسالی در مناطق روستایی سمت شرق اصفهان بیش از سایر نقاط بوده است؛ چراکه یکی از منابع اصلی تأمین غذای خانوارهای روستایی، روش خودمصرفی تولیدات زارعی، باغی و دامی می‌باشد (امینی فسخودی و میرزایی، ۱۳۹۳). به علاوه فعالیت‌های کشاورزی در استان اصفهان مبنای سایر فعالیت‌های اقتصادی است و طیف اثرات مربوط گسترده است و شامل کاهش سطح زیرکشت محصولات زراعی، کاهش حاصلخیزی مراتع، کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، افزایش مرگ و میر دام و افزایش خسارات وارد شده به حیات وحش و زیست‌گاه ماهیان، کاهش سرمایه، کاهش درآمد کشاورزان و شاغلان، کاهش خرید و فروش و معاملات، رشد بیکاری، کاهش درآمدهای مالیاتی، افزایش جرایم و اعلام دعوی و مشکلات حقوقی در زمینه‌ی تأخیر در بازپرداخت وام‌های بانکی، است. این در حالی است که شعاع تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی پدیده‌ی خشکسالی نه تنها در جوامع روستایی و قشر کشاورزان بلکه در فضای شهر و جامعه‌ی شهروندان اصفهانی نمایان‌تر است و به گونه‌ای بیانگر زوال فرهنگ و تمدن دیرینه‌ای است که در صورت تداوم شرایط بحرانی پدید آمده، به مرور زمان، دامن مدنیت گران‌بها و پرافتخار اصفهان را نیز خواهد گرفت. این پیامدها شامل کاهش سلامت اجتماعی و روانی، تغییر در سبک زندگی، کاهش مشارکت اجتماعی و سیاسی، کاهش انسجام اجتماعی، کاهش اعتماد سیاسی و اجتماعی، کاهش کیفیت زندگی، کاهش امنیت عمومی، افزایش درگیری و رقابت بین مصرف‌کنندگان آب و بی‌عدالتی، افزایش مهاجرت و جابه‌جایی است.

مقابله با پدیده‌ی خشکسالی در این منطقه نیاز به اقدامات اساسی دارد، برای بهبود فرآیند تصمیم‌گیری در رابطه با مقابله با آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت خشکسالی، انجام اصلاح ساختار تصمیم‌گیری امری ضروری است. برخورد با پدیده‌ی خشکسالی به لحاظ گستردگی دامنه‌ی بحران خشکسالی و رشد جمعیت و پیچیدگی مسائل خاص اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در این منطقه به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد تمدنی، تاریخی و فرهنگی شهر و وابستگی بخش کشاورزی و حتی آثار و میراث فرهنگی به منابع آبی، به برنامه‌ریزی متفاوتی نسبت به سایر مناطق نیاز دارد. صالح و مختاری راهکار مناسبی را پیشنهاد داده‌اند که ذکر این راهکارها در این مطالعه مفید و ضروری است؛ از جمله راهکارهای کنترل پیامدهای پدیده‌ی

خشکسالی، می‌توان به ایجاد و توسعه‌ی تشکلهای غیردولتی اشاره نمود. در همین ارتباط لازم به ذکر است که تصمیم‌گیری‌ها در کشور اغلب به طور متمرکز انجام می‌گیرد بنابراین در هنگام بروز وقایعی نظیر خشکسالی، تصمیم‌گیرندگان در منطقه باید به تبعیت از نظام تصمیم‌گیری متمرکز، تابع تصمیمات و اعطای اعتبارات ویژه‌ی خشکسالی از سوی مراکز و نهادهای تصمیم‌گیرنده باشند، که این امر عمدتاً موجب بروز نارسایی و تأخیر دربارهی مقابله با اثرات و پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت خشکسالی می‌گردد. بنابراین اصلاح فرآیند ساختار تصمیم‌گیری در این گونه موارد و نیز رشد و توسعه‌ی نهادهایی نظیر تشکلهای غیردولتی، می‌تواند به بهبود اوضاع کمک کند صالح و مختاری (۱۳۸۶). بنابراین بهره‌گیری از مشارکت مردم و بهبود همبستگی اجتماعی از جمله راهکارهای زیربنایی محسوب شده و به استفاده از روش‌های ارزیابی مشارکت روستایی و شهری به منظور تبدیل به فرآیند برنامه‌ریزی از نوع برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری از پایین به بالا تأکید می‌گردد. همچنین به عنوان یکی از راهکارهای اساسی می‌توان به انجام تحقیقات و مطالعات در زمینه‌ی پیش‌آگاهی، کنترل و مقابله با پیامدهای خشکسالی اشاره نمود، چراکه نتایج حاصل از این گونه مطالعات می‌تواند ضمن کمک به تصمیم‌گیری برنامه‌ریزان و مدیران دستگاه‌های ذی‌ربط، در رابطه با بهبود واکنش در برابر خشکسالی‌های آینده، شرایط مطلوب‌تری را برای کنترل و کاهش خسارات مربوط فراهم آورد. در نهایت، باید توجه داشت که شهروندان اصفهانی و بویژه قشر کشاورزان سمت شرق اصفهان در حال تجربه کردن زیست جهان بسیار پیچیده‌تر، دشوارتری هستند که امکان تفهم و درک همه‌ی ابعاد آن یا وجود ندارد یا به سختی قابل دسترسی است. از این رو، لازم به ذکر است که مطالعه‌ی کنونی محدودیت‌ها و دشواری‌های متعددی برای مصاحبه با شهروندان اصفهانی و قشر کشاورز دربارهی خشکسالی و کم‌آبی زاینده رود و ابعاد حساس‌تر داشته است. بر همین اساس، نمی‌توان ادعا کرد که کل برساخته‌های معنایی شهروندان مذکور دربارهی پدیده‌ی خشکسالی و کم‌آبی زاینده‌رود، به طور کامل بازنمایی یا روایت شده است؛ با این حال، آنچه در بخش یافته‌ها دیده شد، بیانگر مسائلی است که حتی در همین حد نیز بسیار نگران‌کننده و هشداردهنده است.



مدل شماره‌ی ۱: الگوی نظری پدیدارشناختی تجربه‌ی پایمدهای اجتماعی و فرهنگی کم‌آبی و خشکسالی

زاینده‌رود از دیدگاه شهروندان اصفهانی

منابع:

- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی (نظریه‌ی مبنایی؛ رویه‌ها و شیوه‌ها)، ترجمه‌ی رحمت‌الله رحمت‌پور، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امینی فسخودی، عباس و میرزایی، مهرانوش. (۱۳۹۳). پیامدهای بحران کم آبی و خشک شدن زاینده‌رود در مناطق روستایی؛ (مطالعه‌ی موردی: جلگه برآآن در شرق اصفهان)، *مجله‌ی توسعه‌ی روستایی*، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ۲.
- ایرانی بهبهانی، هما؛ بهرامی، بهرنگ؛ آقا ابراهیمی سامانی، فیروزه و ساعتیان، رویا. (۱۳۸۹). شناسایی نقش ساختارهای طبیعی در شکل‌گیری منظر فرهنگی سکونتگاه باستانی تحت سلیمان با استفاده از فناوری نوین دورسنجی، *مجله‌ی محیط‌شناسی*، سال سی و ششم، شماره‌ی ۵۴، تابستان، صص ۱۰۹-۱۲۰.
- برج، ایل. (۱۳۸۹). *راهنمای عملی ارزیابی تأثیرات اجتماعی*، ترجمه‌ی محمدعلی رمضانی و مرتضی قلیچ، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- تراسبی، دیوید. (۱۳۸۷). *اقتصاد و فرهنگ*، ترجمه‌ی ک فرهادی، چاپ سوم، تهران: نی .
- رامشت، محمد حسین؛ عباسی، علیرضا و منتظری، مجید. (۱۳۸۷). تحول تاریخ طبیعی زاینده‌رود و شکل‌گیری مدنیّت در حاشیه‌ی آن، *فصلنامه‌ی پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره‌ی ۳۶، زمستان، صص ۱۵-۲۵.
- ریاحی، وحید و پاشازاده، اصغر. (۱۳۹۲). اثرات اقتصادی و اجتماعی خشکسالی بر نواحی روستایی شهرستان گرمی (مطالعه‌ی موردی: دهستان آزادلو)، *مجله‌ی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی (چشم انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی)*، سال هشتم، شماره‌ی ۲۵.
- سفیری، خدیجه و آراسته، راضیه. (۱۳۸۶). بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اقتصادی زنان با نوع روابط همسران در خانواده، *مجله‌ی علمی پژوهشی تحقیقات زنان*، سال دوم، شماره‌ی اول، صص ۱۴۷-۱۱۴.
- صالح، ایرج و مختاری، داریوش. (۱۳۸۶). اثرات و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی خشکسالی

- بر خانوارهای روستایی در منطقه‌ی سیستان، *مجله‌ی علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۱.
- علی‌پور، حسن؛ چهارسوقی، امین حامد و قریب، علی. (۱۳۹۲). اثرات خشکسالی بر وضعیت اقتصادی - اجتماعی کشاورزان، مطالعه‌ی موردی: گندمکاران شهرستان نهبندان، *نشریه پژوهش‌های آبخیزداری (پژوهش و سازندگی)*، دوره‌ی ۲۶، شماره‌ی (پیاپی ۹۹).
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۹). *ارزیابی تأثیرات اجتماعی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- قاسم زاده، بهنام. (۱۳۹۱). طراحی مجتمع فرهنگی و هنری با رویکرد مبانی پایدار (هم‌اندیشی مکانی در بستر معاصر)، *پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز*.
- قاسم زاده، بهنام؛ پژوهان، موسی؛ خاتمی نژاد، حسین و سجادزاده، حسین. (۱۳۹۳). تأثیر خشکسالی زاینده‌رود در تعاملات اجتماعی و فضاهای جمعی در اصفهان، *مجله‌ی محیط شناسی*، دوره‌ی ۴۰، شماره‌ی ۲.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). *روش تحقیق کیفی ضد روش (مراحل و رویه‌های عملی در روش شناسی کیفی)*، چاپ دوم، تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۳). *بسترها، پیامدها و سازگاری زنان مطلقه‌ی شهر تهران (یک مطالعه‌ی پدیدارشناسانه)*، *فصلنامه‌ی مشاوره و روان درمانی خانواده*، سال چهارم - شماره‌ی ۱.
- مروج تربتی، خاطره و پورنادری، حسین. (۱۳۹۲). بررسی تداوم سنت‌های مؤثر در شکل‌گیری پل خواجه؛ بر اساس مطالعه‌ی تطبیقی پل‌های تاریخی شهر اصفهان، *مجله‌ی باغ نظر*، شماره‌ی ۲۷، سال دهم، زمستان، صص ۷۰-۶۱.
- هنزفر، لطفه الله. (۱۳۷۶). *زاینده‌رود در گذرگاه تاریخ، مجله‌ی فرهنگ اصفهان*، شماره‌ی ۵ و ۶، بهار و تابستان، صص ۱-۱۷.
- Anheier, Helmut K; Gerhards, Jurgen and Romo, Frank P. (1995). "Form of Capital and Social Structure in Cultural Field", **American Journal of Sociology**, Vol 100, No 4.
- Attridge-Stirling, Jennifer. (2001). "Thematic Networks: an Analytic Tool for Qualitative Research", **Journal of Qualitative Research**, Vol 1, No. 3. Pp 385-405.
- Booth, John A and Richard, Patricia Bayer. (2008). **Violence & democratic**

political capital in Latin America and the Caribbean. Prepared for presentation at the International Studies Association meeting, San Francisco. March 29.

- McLeman, Robert; Schade, Jeanette and Faist, Thomas. (2015). **Drought, Social Inequalities, Adaptation, and Farmers' Mobility in the Konya Plain of Turkey**, Volume 61, chapter of the series *Advances in Global Change Research* : pp 91-102.
- O'Gorman, Emily and Henry, Matthew.(2014). **Extreme Weather and ENSO: Their Social and Cultural Ramifications in New Zealand and Australia in the 1890s**, Chapter: *Climate, Science, and Colonization Histories from Australia and New Zealand*, published by Palgrave Studies in the History of Science and Technology : pp 61-80, ISBN: 978-1-349-46245-2 (Print) 978-1-137-33393-3 (Online).
- Putnam Robert D. (1995). *Bowling alone: America's Declining Social Capital*, **journal of democracy**, Vol.6.
- Sorensen, Eva and Torfing, Jacob. (2003). Network politics, political capital, and democracy. *International Journal of Public Administration*, 26(6), 609–634.
- Winter Ian. 2000. Towards a theorized understanding of family life and social capital working, **Journal of Australian Institute of family Studies**, 21:1-15.